

تقویت حکومت اسلامی بر اساس مؤلفه‌های قرآنی در اندیشه سیاسی آیه‌الله خامنه‌ای

محمدعلی محمدی*

تأیید: ۹۸/۶/۲۵

دریافت: ۹۸/۲/۱۵

چکیده

جامعه انسانی به حکومت نیاز دارد. در متون اسلامی نیز بر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی تأکید شده است. با بررسی قرآن کریم می‌توان به راه‌کارهای تقویت حکومت اسلامی دست یافت. هدف از این مقاله استخراج مؤلفه‌های قرآنی تأثیرگذار بر تقویت حکومت اسلامی است. تحقیق نشان می‌دهد فرهنگ و مدیریت جهادی مؤلفه‌های قرآنی تأثیرگذار در تقویت حکومت اسلامی هستند که در بنیان‌های فکری مقام معظم رهبری نیز جایگاه ویژه‌ای دارند.

سؤال اصلی مقاله این است که: «در سپهر اندیشه مقام معظم رهبری، راه‌کارهای قرآنی تقویت حکومت اسلامی چیست؟»

از بررسی آیات قرآن کریم و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در می‌یابیم برای تقویت حکومت اسلامی، باید به فرهنگ و مدیریت جهادی و مؤلفه‌های آن توجه شود. فرهنگ جهادی در مؤلفه‌های خدامحوری، ولایت‌پذیری و اخلاق‌مداری تبلور می‌یابد؛ چنان‌که مدیریت جهادی با مؤلفه‌های دشمن‌شناسی، تعاون، خدمت‌گزاری، خستگی‌ناپذیری و سرعت عمل تحقق می‌یابد. این پژوهش به لحاظ نوع تحقیق، توصیفی - تحلیلی است.

واژگان کلیدی

حکومت اسلامی، مدیریت جهادی، فرهنگ جهادی، آیه‌الله خامنه‌ای، اندیشه سیاسی

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی:

M.mohammadi@isca.ac.ir



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرښکته
پرتال جامع علوم انساني

مقدمه

از دیدگاه عقلی، جوامع انسانی برای ایجاد و تداوم، به حکومت نیاز دارند. جامعه‌شناسان و دیگر دانشمندان نیز بر این ضرورت تأکید کرده‌اند. از نظر «افلاطون»: ارتقای جامعه به سطح والای زندگی فرد، بدون دولت امکان‌پذیر نیست (افلاطون، ۱۳۵۳، ص ۴۲۹) و «ارسطو» این حقیقت را از مظاهر طبیعی حیات بشری شمرده و می‌گوید:

دولت از مقتضیات طبع بشری است؛ زیرا انسان بالطبع موجود اجتماعی است و کسی که قائل به عدم لزوم دولت است، روابط طبیعی را ویران می‌کند و خود یا انسانی وحشی است یا از حقیقت انسانیت خبر ندارد (ارسطو، ۲۰۰۸م، ص ۹۶). این مهم در باره حکومت اسلامی، ضرورت دو چندان می‌یابد. چنان‌که تقویت حکومت اسلامی نیز از منظر عقل و نقل بسیار مهم است. برای تقویت حکومت اسلامی باید راه‌کارهای آن را شناخت. بهترین راه برای شناخت راه‌کارهای تقویت حکومت اسلامی، مراجعه به قرآن کریم و دیگر متون اسلامی و دیدگاه‌های صاحب‌نظران از جمله «آیه‌الله خامنه‌ای» است. در این مقاله برآنیم مطلب یادشده را از نگاه قرآن و مقام معظم رهبری واکاوی کنیم.

ضرورت تقویت حکومت اسلامی

بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که برپایی حکومت در جامعه اسلامی و لزوم تقویت آن ضروری است.

آیاتی که بر وجوب اطاعت از ولی امر دلالت می‌کنند، همانند (نساء، ۵۹)، آیاتی که بر وجوب اجرای حدود الهی تأکید می‌کنند، همانند (حج، ۴۱)، آیاتی که بر وجوب تهیه و تدارک قوای نظامی برای جنگ با دشمنان خدا دلالت دارند، همانند (انفال، ۶۰)، هم‌چنین آیات مبین احکام مربوط به قضاوت، همانند (نساء، ۵۸) و آیات فراوان دیگر نشان می‌دهد که برپایی حکومت اسلامی در جامعه جزء ضروریات عقلی و قرآنی و حفظ نظام جامعه از واجبات مورد تأکید شرایع الهی و بی‌نظمی امور مسلمانان نزد خدا

و خالق، امری قبیح است و روشن است که حفظ نظام و سد طریق اختلال، جز به استقرار حکومت اسلامی در جامعه تحقق نمی‌پذیرد، لذا هیچ شک و شبهه‌ای در وجوب اقامه حکومت باقی نمی‌ماند (امام خمینی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۶۱).

به عنوان نمونه، خداوند می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» (نساء(۴): ۵۸)؛ خدا به شما امر می‌کند که امانت‌ها را بر صاحبان آن‌ها باز دهید و چون میان مردم حکومت کنید، به عدالت داوری کنید؛ همانا خدا شما را پند نیکو می‌دهد، خدا به هر چیز آگاه و بصیر است.

انجام آنچه در آیه فوق آمده جز در سایه حکومت مقتدر اسلامی مقدور نخواهد بود. هم‌چنین خداوند می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء(۴): ۵۹)؛ ای اهل ایمان! خدا و رسول و اولی الامر را اطاعت کنید و چون در امری منازعه کردید، به حکم خدا و رسول بازگردید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما (از هرچه تصور کنید)، بهتر و خوش عاقبت‌تر خواهد بود.

این آیه نیز بر ضرورت اطاعت از حاکم اسلامی و احکام صادره از او دلالت می‌کند (همتی، ۱۳۷۳، ص ۲۸).

در روایات اسلامی نیز بر ضرورت حکومت و تقویت آن تأکید شده است. چنان‌که حضرت علی ۷ فرمود:

چاره‌ای برای مردم از وجود فرمان‌روا و امیر نیست؛ خواه نیکوکار و خواه بدکار باشد. فرمان‌روایی که در حکومت او شخص با ایمان، اعمال نیک خود را انجام می‌دهد و شخص کافر از دنیایش بهره‌مند می‌گردد و خداوند (با برقراری امنیت اجتماعی زیر سایه حکومت)، عمرها را طولانی می‌گرداند،

غنائم جمع گردیده، با دشمنان جهاد می‌شود، راه‌ها امن گردیده و حق ضعیف از قوی گرفته می‌شود (نهج البلاغه، خطبه ۴۰).^۱

با این تفاوت که در فرهنگ اسلامی، حکومت از آن خداوند و به تبع آن، پیامبر و امام و در زمان غیبت امام معصوم، ولی فقیه است. با مراجعه به متون اسلامی مشخص می‌شود، یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت حکومت اسلامی، توجه به فرهنگ و مدیریت جهادی است. در فرهنگ جهادی، همگان خودشان را مسؤول دانسته و سعی می‌کنند وظایف خود را به بهترین شکل ممکن انجام دهند. چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۳۸)؛ آگاه باشید که همه شما نگرهبان هستید و در مورد فرمان‌برداران خویش مؤاخذ و مسؤولید. اگر در جامعه‌ای فرهنگ جهادی حاکم باشد، افراد آن جامعه همه تلاش خود را به کار خواهند گرفت تا کارها به بهترین نحو انجام شود. در بررسی سیره پیامبر روشن می‌شود که آن حضرت، بارها پیروان خودش را به انجام عمل به بهترین وجه آن دعوت کرده و آن را باعث محبوبیت نزد خداوند دانسته است (صدوق، ۱۴۱۷ق، ص ۴۶۸). همه آیاتی که بر لزوم اصلاح جامعه دلالت می‌کنند (بقره (۲): ۱۴۳؛ سبأ (۳۴): ۴۶؛ آل عمران (۳): ۱۰۴ و...) و آیاتی که ویژگی‌های جامعه الگواز آن استخراج می‌شود (فتح (۴۸): ۲۹؛ آل عمران (۳): ۲۰۰ و ممتحنه (۶۰): ۴) و آیاتی که از اصلاح یا اعتلای جوامع و علل آن سخن می‌گویند (اعراف (۷): ۳۴؛ کهف (۱۸): ۵۹؛ هود (۱۱): ۱۱۷ و اعراف (۷): ۹۶)، همگی بر فرهنگ جهادی تأکید و از بی‌توجهی به آن نهی می‌کنند.

از دیگر سو، از نگاه قرآن، هرکسی چنان عمل می‌کند که شاکله و شخصیت وجودی‌اش شکل گرفته است (اسراء (۷): ۸۴) و «مدیریت جهادی»، شاکله وجودی افراد را تقویت می‌کند. در نتیجه افراد جامعه، پرتلاش، سخت‌کوش، شکست‌ناپذیر، قوی، پرنشاط و مصمم خواهند شد. رهبران و مدیران جامعه، الگوهای عملی جوامع هستند، وقتی آنان با تمام توان، بی‌وقفه و بدون چشم‌داشت، در راستای اهداف والا گام بردارند، مردم نیز به آنان اقتدا کرده و فرهنگ جهادی شکل می‌گیرد.

از نگاه «آیه‌الله خامنه‌ای» نیز لازم است مسؤولان «مجاهدان» وارد میدان عمل شوند.

زیرا حکومت اسلامی به پشتیبانی و حضور مردم نیاز دارد. بدون حضور مردم مقصود تحقق پیدا نخواهد کرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۹).

در نتیجه برای تقویت حکومت اسلامی باید دو مؤلفه فرهنگ و مدیریت جهادی مورد توجه قرار گیرد. در بررسی‌های انجام‌شده، پژوهشی که به موضوع فوق پرداخته و تبیین قرآنی آن را عهده‌دار شده باشد، به نظر نرسید. از این‌رو، ضروری نمود، در پژوهشی مستقل به آن پرداخته شود.

در مجموع برای تقویت حکومت اسلامی باید به دو مؤلفه اصلی توجه شود: یکی مؤلفه فرهنگی است که با فرهنگ جهادی تحقق یافته، باعث اصلاح فرهنگ می‌شود و دومی مدیریت جهادی که باعث اصلاح عمل‌کردها شده و از حیث عملی، حکومت اسلامی را تقویت خواهد کرد.

فرهنگ جهادی، اولین راه‌کار تقویت حکومت اسلامی

از آن‌جا که یک مفهوم با بهره‌گیری از معانی واژگان آغاز می‌شود، تبیین دقیق واژه‌ها و تعاریف آن ضروری است. فرهنگ جهادی از اصطلاحاتی است که در اوایل دهه هشتاد، به‌وسیله مقام معظم رهبری استفاده شده است (همان، ۱۳۸۲/۱۰/۱۴). برای درک مفهوم بهتر این اصطلاح، ابتدا دو واژه فرهنگ و جهاد را توضیح می‌دهیم و سپس با توجه به کاربردهای این اصطلاح در سخنان مقام معظم رهبری، سعی می‌کنیم مقصود معظم له را تبیین نماییم.

فرهنگ در لغت به معانی: رأی، هوش، عقل، دانش، ادب، تربیت درست، هنر، آگاهی، نیروی سنجش و قوه تمیز نیک از بد، فضیلت اخلاقی، فضایل روحی و معنوی، موجب سروری، سودمندی و بی‌آزاری، مایه نیک‌نامی، تندرستی روان، مایه زنده‌دلی، وقار، شرف، مایه فخر، معیار و اعتبار، ذکاء و فطنت، فر و شکوه و جلال، اندیشه درست، هوشیاری، کتاب لغت فارسی، شاخ درختی که در زمین خوابانیده از جای دیگر سر برآورده و کاریز آب و... آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۲۴، ص ۹۱۷ و معین، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۱۷۶). در تعریف اصطلاحی آن، اتفاق نظر وجود ندارد (محمودی بختیاری،

۱۳۶۸، ص ۳۴-۳۰؛ روح الامینی ۱۳۶۸، ص ۲۵ و جعفری، ۱۳۶۲، ج ۱۶، ص ۲۳۳-۲۳۲). یکی از بهترین تعاریفی که از فرهنگ ارائه شده، تعریف «تایلر» است. به نظر او: «فرهنگ مجموعه آمیخته و پیچیده و نظام یافته‌ای است، از دانستی‌ها، هنرها، باورها، آیین، حقوق، آداب، رسوم، منشأی خوبی‌ها و بسیاری چیزها که انسان از جامعه خویش کسب کرده است» (روح الامینی، ۱۳۶۸، ص ۲۵).

تعریف مقام معظم رهبری از فرهنگ، با این تعریف، شباهت فراوانی دارد. ایشان بر این باورند که فرهنگ؛ یعنی خلیقات و ذاتیات بومی یک ملت. تفکرات، ایمان و آرمان‌ها، تشکیل‌دهنده مبانی فرهنگ یک کشور است (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۱/۱۰).

جهاد در لغت به معنای مشقت و زحمت و هم‌چنین به معنای توان و طاقت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۰۸). جنگ را از آن جهت جهاد گویند که تلاش توأم با رنج است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۷۸-۷۷).

جهاد در اصطلاح فقهی به معنای بذل جان و مال و توان، در راه اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر دین و مواجهه با کافران و یاغیان است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۳ و شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۷۹).

جهاد از حیثیات مختلف، تقسیمات مختلفی دارد. از یک حیث به جهاد مالی، جانی و... تقسیم می‌شود. از حیث دیگر، به سه قسم جهاد اصغر، جهاد اکبر و جهاد کبیر تقسیم می‌شود (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۱۲؛ متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۶۱۶). از نگاه مقام معظم رهبری، جهاد بر دو رکن استوار است: یک جَد و جهد و دیگری وجود دشمن (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۶/۲۰).

برخی فرهنگ جهادی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: مجموعه‌ای از مایه‌های فکری و ارزشی که در رفتار اختیاری و اجتماعی انسان اثر می‌گذارد و دارای عناصر متعددی از شناخت‌ها، باورها، ارزش‌ها، گرایش‌ها و رفتارها می‌باشد (پورسعید و شاه محمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۸۹).

برابر تعریفی دیگر، فرهنگ جهادی، مجموعه درهم‌تنیده‌ای از مفروضات اساسی، استنباط مشترک و خرد جمعی نهادی، تکامل یافته، انعطاف‌پذیر و رسالت‌محور است که

در بستر تجارب و یافته‌های قبلی شکل گرفته و در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی محیط، در عمیق‌ترین لایه‌های ذهنی قاطبه اعضای سازمانی رسوخ کرده و به عنوان منبعی الهام‌بخش و نیروزا در شکل‌دهی رفتار، ایفای نقش می‌کند (فرحی و...، ۱۳۹۵، ش ۲۴، ص ۶۱).

مقام معظم رهبری در مباحث فرهنگی و مدیریت جهادی، بر تلاش با «نیت الهی» و مبتنی بر علم و درایت تأکید کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۰/۲۳). ولی در دو تعریف فوق، به اهداف الهی داشتن فرهنگ جهادی اشاره نشده است. پس فرهنگ جهادی؛ یعنی: «مجموعه‌ای از شناخت‌ها، باورها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، رفتارها، با سخت‌کوشی فراوان، برای رسیدن به اهداف والای الهی که باعث آبادی دنیا و آخرت انسان می‌شود». از این‌رو، فرهنگ جهادی، دارای عناصر و مؤلفه‌های متعددی می‌باشد که نتیجه آن ایجاد آرمان‌شهر اسلامی و مدینه فاضله قرآنی است. آن‌گاه که فرهنگ یک جامعه با سخت‌کوشی، برای رسیدن به اهداف والا توأم شود، فرهنگ جهادی تحقق یافته است. وقتی فرهنگ یک جامعه، به فرهنگ جهادی تبدیل می‌شود که همه آحاد جامعه، در هر مسؤولیتی که هستند، با تمام وجود، تمام تلاش خودشان را در راستای اهداف والا و سوق دادن جامعه به سوی جامعه متعالی و متعادل و مدینه فاضله اسلامی به کار گیرند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

آنچه انقلاب اسلامی به مردم ما داد، فرهنگ جهادی بود. فرهنگ جهادی در همه صحنه‌ها و عرصه‌ها به کار می‌آید و در زمینه کارهای زیربنایی، کشاورزی و دام‌داری و امثال این‌ها هم از اوّل انقلاب، روح و فرهنگ جهادی وارد میدان شد (همان، ۱۳۸۲/۱۰/۱۴).

جهاد از جهت نوع ابزار و وسیله‌ای که با آن مبارزه صورت می‌گیرد، به سه قسم جهاد جانی (توبه ۹): ۸۸ و ۴۱ و صف (۶۱): ۱۱، جهاد مالی (توبه ۹): ۴۴، ۸۱ و ۸۰؛ صف (۶۱): ۱۱ و جهاد فرهنگی (توبه ۹): ۷۳ تقسیم شده است که در همه این سه قسم، فرهنگ جهادی تبلور می‌یابد. باید جان‌ها، اموال، زبان‌ها و قلم‌ها به کار گرفته شوند تا بنیان بنای حکومت اسلامی تقویت شود. خدامحوری، ولایت‌پذیری و

خدامحوری نقش انکارناپذیری در فرهنگ جهادی دارد. از نگاه قرآن، مؤمنان برای خداوند و مخلصانه جهاد می‌کنند، ولی کافران، در راه طاغوت و برای او می‌جنگند (نساء(۴): ۷۶). در دین اسلام، جهاد باید «فی سبیل الله باشد» (بقره(۲): ۲۱۸؛ نساء(۴): ۹۵؛ مائده(۵): ۳۵-۵۴؛ انفال(۸): ۷۲-۷۴؛ توبه(۹): ۲۴-۲۰-۱۹ و ۸۱ و عنکبوت(۲۹): ۶۹) و جهاد فی سبیل الله؛ یعنی جهاد مخلصانه و مبارزه مقدس.

مقام معظم رهبری جهاد مخلصانه را این‌گونه تبیین می‌کنند:

در فعالیت‌های اجتماعی، شما یک حرکتی را انجام می‌دهید برای خدا، یک اقدامی را می‌کنید برای خدا، یک تصمیمی را می‌گیرید برای خدا، هیچ‌کس هم نمی‌فهمد، برای این تصمیم، پیش هیچ‌کس هم تفاخر نمی‌کنید؛ این را خدای متعال می‌فهمد، می‌داند، می‌نویسد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۲).

از نگاه «آیه‌الله خامنه‌ای»، امام امت سنگ بنای انقلاب را بر پایه‌هایی قرار دادند که همه آن‌ها را می‌توان بناهای اصلی برای ادامه انقلاب و نیز ایجاد فرهنگ جهادی دانست:

امام عزیز^۱، با ایمان و جهاد و اخلاص و عمل صالح خود، سنگ بنای حکومت اسلامی را در ایران گذاشت و خدای متعال هم نصرت خود را بر او نازل کرد. پروردگار عالم اصدق القائلین است که فرمود: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت(۲۹): ۶۹)، «مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ لِلَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۲، ص ۳۱۹)، «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ» (حج(۲۲): ۴۰). این آیات و روایات، بیان حقیقت و واقعیت است (همان، ۱۳۶۸/۴/۲۰).

وقتی می‌توان در جامعه فرهنگ جهادی را نهادینه کرد که خدامحوری در مسئولان و مردم نهادینه شود. کسی که فقط برای خدا کار می‌کند، خستگی‌ناپذیر است. او دیگر به دنبال خواسته‌های شخصی خودش نبوده، بلکه تمام سعی خودش را برای رسیدن به اهداف(الهی) به کار می‌گیرد (همان، ۱۳۸۹/۸/۲).

خدامحوری به توحید خلاصه نشده، بلکه دیگر اصول اسلامی نیز در طول این اصل کلیدی و از مؤلفه‌های فرهنگ جهادی و در تقویت حکومت اسلامی نقش‌آفرین هستند.

به عنوان نمونه، ایمان به معاد و حیات اخروی یکی از اصول جهان‌بینی الهی و مهم‌ترین اصل پس از توحید است که پیامبران الهی مردم را به آن دعوت کرده‌اند (نوح (۱۷): ۱۸-۱۷؛ عنکبوت (۲۹): ۱۷؛ غافر (۴۰): ۲۷؛ مریم (۱۹): ۳۳ و...).

بین معادباوری و فرهنگ جهادی، رابطه تنگاتنگی وجود دارد و تقویت هر یک به تقویت دومی منجر خواهد شد. مؤمنان به آخرت، تسلیم محض فرمان الهی‌اند، حتی اگر اجرای فرمان الهی به ایثار جان آنان بینجامد. از همین رو، آنان در جهاد با مال و جان تردید نمی‌کنند و با عزمی راسخ و بدون تعلل به دنبال ادای وظیفه الهی خود می‌روند؛ در حالی که افراد بی‌ایمان با طرح عذر و بهانه اجازه می‌خواهند، در میدان جهاد شرکت نکنند:

«لَا يَسْتَدْنِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ إِنَّمَا يَسْتَدْنِكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ» (توبه (۹): ۴۵-۴۴)؛ کسانی که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، در جهاد با مال و جان‌شان از تو [عذر و] اجازه نمی‌خواهند و خدا، به [حال] تقوای پیشگان داناست. تنها کسانی از تو اجازه می‌خواهند [به جهاد نروند] که به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و دل‌های‌شان به شک افتاده و در شک خود سرگردانند.

از سوی دیگر، هرچه معادباوری حاکمان و مردم بیش‌تر باشد، حکومت اسلامی قوی‌تر خواهد بود و بالعکس. فرد باورمند به معاد، می‌داند که مرگ پایان کار نیست که شروع زندگی ابدی است و در آخرت پاداش اعمال را می‌بیند؛ او از جهاد و شهادت نمی‌هراسد و می‌داند به سوی خدا باز می‌گردد (بقره (۲): ۱۵۶).

حاکمان معادباور می‌دانند، اگر در دنیا خطایی مرتکب شوند، در آخرت عذاب آن را خواهند دید: «مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ» (نساء (۴): ۱۲۳). لذا نه تنها از ستم به مردم پرهیز می‌کنند، بلکه مسئولیت را نیز امانت الهی می‌دانند که اگر عمل کرد مثبتی نداشته باشند، مورد بازخواست الهی قرار خواهند گرفت.

هم‌چنین انسان معتقد به معاد، سرمایه و وقت خود را صرف اموری می‌نماید که

برای او پاداش اخروی دارد (کهف(۱۸): ۱۱۰). چنین شخصی تمام تلاش خودش را برای خدمت به مردم به کار می‌گیرد.

فردی که به روز قیامت ایمان و اعتقاد داشته باشد، همیشه در مقابل خدا و اولیای الهی، خود را مسؤول و پاسخ‌گو می‌بیند (نحل(۱۶): ۹۳) و همین امر باعث تقویت حکومت اسلامی خواهد شد.

یکی دیگر از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ جهادی و نقش‌آفرین در تقویت حکومت اسلامی، ولایت‌مداری است که از نبوت آغاز و در ادامه به امامت رسیده و به ولایت فقیه ختم می‌شود.

پیامبران همانند دیگر افراد جامعه بشریت هستند؛ با این تفاوت که بر آن‌ها وحی می‌شود (کهف(۱۸): ۱۱۰؛ فصلت(۴۱): ۶ و...).

امامت ادامه نبوت و در لغت به معنای پیشوایی (معین، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۴۷-۳۴۶) پیش‌روی و رهبری و در اصطلاح، به معنای ریاست عمومی فردی خاص بر امور دین و دنیای مردم در دنیا؛ بالاصاله یا به جانشینی از پیامبر است. امامت دارای شؤونی هم‌چون رهبری سیاسی و زعامت اجتماعی و مرجعیت دینی و تبیین و تفسیر وحی و ولایت باطنی و معنوی است که از این جهت، امام حجت خدا در زمان، ولی‌الله و انسان کامل است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۷۳ و مطهری، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۹۸) و چون امامت دارای شؤون والایی است، شیعه آن را همانند نبوت به نصّ و امر الهی و از اصول مذهب می‌داند (موسوی شفتی، ۱۴۱۱ق، ص ۶۲).

در زمان غیبت امام معصوم، ولایتی که امام معصوم دارد، به ولی فقیه منتقل می‌شود. قرآن در آیات متعددی به شرایط زمام‌دار و رهبری اشاره می‌کند؛ از جمله: ۱. عدالت (هود(۱۱): ۱۱۳). ۲. علم (بقره(۲): ۲۴۷). ۳. امانت‌داری (شعراء(۲۶): ۱۴۳). ۴. توانایی و حسن تدبیر (بقره(۲): ۲۴۷). ۵. یقین و پایداری و استقامت (سجده(۳۲): ۲۴) و ...

این شرایط در زمان حضور پیامبر و ائمه معصومان متبلور است و کامل‌ترین مصداق ویژگی‌هایی که در آیات ذکر شده، پیشوایان معصوم : و در عصر غیبت، نزدیک‌ترین افراد به معصومین هستند.

بنابراین، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اسلام ناب، اسلامی است که حاکم آن معصوم یا نزدیک به عصمت باشد تا هم از لحاظ احاطه علمی به احکام و قوانین الهی و هم از لحاظ شناخت اوضاع و احوال موجود و مصالح و مفسد جزئی و هم از لحاظ تقوا، ورع و عدالت در عالی‌ترین حد ممکن باشد.

رهبر جامعه اسلامی، خود الگوی فرهنگ جهادی و تقویت او بر همگان لازم است (نساء (۴): ۵۹؛ کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۶۷ و...).

رهبری، یکی از پایه‌های اصلی فرهنگ جهادی است و وجود رهبر جامع الشرائط باعث تقویت حکومت اسلامی و قوام حکومت به او وابسته است. امام خامنه‌ای می‌گوید:

رهبری در جامعه اسلامی و ایران اسلامی، گره‌گشااست. رهبری؛ یعنی آن نقطه‌ای که هر جا دولت - هر دولتی در ایران - مشکلی داشته باشد، مشکلات لاعلاجش به دست رهبری حل می‌شود... آن جایی که می‌خواهند مردم را مأیوس کنند، رهبری است که امید به مردم می‌دهد. آن جایی که می‌خواهند یک توطئه سیاسی بین‌المللی برای ملت ایران به‌وجود آورند، رهبری است که قدم جلو می‌گذارد و تمامیت انقلاب را در مقابل توطئه قرار می‌دهد... آن جایی که می‌خواهند در بین جناح‌های گوناگون مردم، اختلاف ایجاد کنند، رهبری است که می‌آید مایه الفت و ممانع از تفرقه می‌شود. آن جایی که می‌خواهند صندوق‌های انتخابات را خلوت کنند و مردم را از حضور در پای صندوق‌ها و رأی‌دادن مأیوس نمایند، رهبری است که به مردم الگو می‌دهد و می‌گوید که انتخابات وظیفه است. آن‌گاه مردم اعتماد می‌کنند، وارد می‌شوند و حماسه عظیمی می‌آفرینند. آن جایی که جایگاه ابراز نظر مردم در مسائل انقلاب است، چشم مردم به دهان رهبری است... (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۹/۵).

یکی دیگر از مهم‌ترین ارکان حکومت اسلامی که با فرهنگ جهادی ملازم است، توجه به فضایل اخلاقی رهبران و افراد جامعه است.

از نگاه اندیشوران اخلاق‌مدار، چهار فضیلت سرچشمه و رأس همه فضایل است: «حکمت»، «عفت»، «شجاعت» و «عدالت» (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۴۹). این فضیلت‌ها همگی از مؤلفه‌های فرهنگ جهادی است؛ زیرا فرهنگ جهادی مجموعه‌ای از باورها و عمل‌کردها است و فضایل فوق، تشکیل‌دهنده، ارزش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای جامعه دارای فرهنگ جهادی از سویی و تقویت حکومت الهی و اسلامی از سوی دیگر است. در این بین، دو صفت شجاعت و عدالت نقش قوی‌تر و کامل‌تری در ایجاد فرهنگ جهادی داشته و برای تقویت حکومت اسلامی از اهمیت بیش‌تری برخوردارند.

شجاعت در لغت به معنای شدت و استحکام قلب در مواقع خطر و نبردها است (طریحی، ۱۳۶۲ق، ج ۴، ص ۳۵۱ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۷۳). در علم اخلاق «شجاعت»؛ یعنی انقیاد و فرمان‌برداری قوه غضبیه از برای عاقله تا آن‌که آدمی خود را در مهالکی که عقل، حکم به احتراز از آنها کند، نیفکند. شجاعت و جهاد، در هر دو حوزه جهاد اصغر و جهاد اکبر، دو مقوله تفکیک‌ناپذیرند. بدون شک، جهاد اصغر بدون شجاعت امکان ندارد. در جهاد اکبر نیز برابر روایت مشهوری که گاه از رسول اعظم ۹ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۱۳) و گاه از حضرت علی ۷ (همان، ج ۶۷، ص ۷۶) نقل شده، شجاع‌ترین انسان‌ها کسی است که بتواند بر هوای نفس خودش غلبه کند.

حضور در سنگرهای مختلف جهادی و از آن بالاتر، ایجاد فرهنگ جهادی، لوازمی دارد که رشادت و شجاعت، یکی از ارکان و لوازم اصلی آن است. مجاهدان فرهنگی و شرکت‌کنندگان در جهاد کبیر و اکبر، هم‌چون رزمندگان جهاد اصغر هستند؛ آنان باید نصیحت‌های امیر مؤمنان به فرزندش، هنگامی که او را به جهاد فرستاد را به یاد آرند و وقتی در میدان جهاد فرهنگی و در برابر آماج حملات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... قرار می‌گیرند، از کوه قوی‌تر باشند که اگر از مکر دشمنان کوه‌ها از جا کنده شود (ابراهیم (۱۴): ۴۶)، آنان نلرزند. دندان به هم فشرد، جمجمه خود را به خداوند بسپارند. ثابت‌قدم باشند و نگاه تیزبین خود را به کید و مکرهای دشمن متمرکز کنند و بدانند که پیروزی از طرف خداوند است (نهج البلاغه، خطبه ۱۱).^۲

ایجاد فرهنگ جهادی، بدون تقویت روحیه شجاعت و رشادت امکان‌پذیر نیست. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

روحیه جهادی لازم است. ملت ما از اوّل انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه جهادی وارد میدان شده، پیش رفته؛ این را ما در دفاع مقدّس دیدیم، در جهاد سازندگی دیدیم، در حرکت علمی داریم مشاهده می‌کنیم. اگر ما در بخش‌های گوناگون، روحیه جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدّیت و به صورت خستگی‌ناپذیر انجام دهیم - نه فقط به‌عنوان اسقاط تکلیف -، بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱/۱).

اگر در جامعه‌ای فرهنگ جهادی، شجاعت و اراده و عزم مشترک ملت و دولت برای ایستادگی وجود داشته باشد، دیگر دشمنان نمی‌توانند به ملت و حکومت اسلامی آسیبی برسانند و به تعبیر امام خامنه‌ای:

آن جایی که اراده مردم در مقابل استکبار باشد، تیغ دشمنان کند است. آن جاهایی که شما می‌بینید آمریکایی‌ها توانستند با نیروهای نظامی خودشان وارد و مسلط بشوند، اشکال در درون آن کشورها بود؛ مشکل این بود که اراده و عزم مشترک ملت و دولت برای ایستادگی وجود نداشت (همان، ۱۳۸۳/۱۱/۱۰).

عدالت مؤلفه دیگر فرهنگ جهادی است که از فضایل اخلاقی نقش‌آفرین در تقویت حکومت اسلامی است.

از نگاه اسلام، عدالت یکی از مهم‌ترین لوازم بقا و تقویت حکومت است. در نبوی منسوب به پیامبر اکرم ⁹ می‌خوانیم:

«أَحْسِنُوا إِلَيَّ رَعِيَّتِكُمْ فَإِنَّهَا أَسَارَاكُمْ وَ قِيلَ الْمُلْكُ يَبْقَى بِالْعَدْلِ مَعَ الْكُفْرِ وَ لَا يَبْقَى الْجَوْرُ مَعَ الْإِيْمَانِ» (شعیری، ۱۳۶۳، ص ۱۱۹)؛ به رعیت خودتان نیکی کنید؛ زیرا آنان به منزله اسیران شما هستند. گفته شده فرمان‌روایی عادلانه کافران باقی می‌ماند، اما فرمان‌روایی ظالمانه مؤمنان برقرار نخواهد ماند.

عدالت یکی از اصلی‌ترین معیارهای حکومت انبیا و تداوم حکومت‌ها است. زمانی که حکومت، رعایت عدالت و تلاش در برپایی آن نماید، دلیلی ندارد که مردم بخواهند علیه چنین حکومتی در فکر براندازی و شورش باشند و عقلای آن جامعه با تمام توان، نیروی خود و دیگران را در جهت استمرار چنین حکومتی به کار خواهند گرفت. در روایتی به نقل از حضرت علی 7 می‌خوانیم: «مردم توده‌ای هستند که با عدل و داد می‌توان آن‌ها را بنده خود کرد؛ عدالت اساس و پایه استواری جهان است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۸۳).

از نگاه قرآن کریم، امت‌های پیامبران هنگامی متفرق شدند و به اختلافات دینی روی آوردند که از عدالت فاصله گرفته و به «جور» روی آوردند و اگر فرمان پروردگار صادر نشده بود که تا سرآمد معینی زنده و آزاد باشند، در میان آن‌ها داوری می‌شد و به کیفر خود می‌رسیدند (شوری(۴۲): ۱۴). از این رو، قرآن کریم، پس از یادآوری مطلب یادشده به پیامبر می‌فرماید:

پس به همین خاطر، تو نیز آنان را به سوی این آیین توحیدی دعوت کن و آن‌چنان که مأمور شده‌ای استقامت نما و از هوی و هوس‌های آنان پیروی مکن و بگو: به تمام کتاب‌هایی که خدا نازل کرده ایمان آورده‌ام و مأمورم در میان شما عدالت را اجرا کنم (شوری(۴۲): ۱۵).

از نگاه قرآن، همه مسلمانان، از حاکمان باشند یا مردم عادی، باید عدالت ورزند؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره و همیشه قیام به عدالت کنید. برای خدا گواهی دهید؛ اگر چه به زیان شما یا پدر و مادر و نزدیکان‌تان باشد! چرا که اگر او [کسی که گواهی شما به زیان اوست]، غنی یا فقیر باشد، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند. بنابراین، از هوی و هوس پیروی نکنید که منحرف خواهید شد و اگر حق را تحریف کنید و یا از اظهار آن، اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است (نساء(۴): ۱۳۵).

با توجه به نقش عدالت در تقویت حکومت و نیز فرهنگ جهادی، مقام معظم رهبری در افق ۲۰ ساله حکومت ایده آل اسلامی را این گونه ترسیم می‌کند:

ایرانی مقتدر، ایرانی مستقل... ایرانی متدین، ایرانی ثروتمند، ایرانی برخوردار از عدالت، عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی، عدالت قضایی، ایرانی با یک حکومت مردمی، ایرانی با حکومتی پاک، جهادگر، دل‌سوز و پرهیزگار؛ این جور ایرانی می‌خواهیم که این البته یک چیز مطلوبی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۲۹).

مدیریت جهادی، دومین راه کار تقویت حکومت اسلامی

دومین مؤلفه کارآمد برای تقویت حکومت اسلامی، عمل‌کرد و رفتار مجاهدانه است. همان گونه که برای نیل به سعادت و کمال اخروی به ایمان و عمل صالح نیاز است، تقویت حکومت اسلامی فرهنگ جهادی، به مثابه باورها و مدیریت جهادی، مثل عمل صالح خواهد بود.

برخی مدیریت را هنر ایجاد هماهنگی و نظارت بر افراد برای رسیدن به هدف معین (جولیوس گولد، ۱۳۸۴، ص ۷۶۶) و بعضی آن را ترکیبی از علم و هنر دانسته و گفته‌اند: «[مدیریت] علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن، رهبری و مهارت‌های دسته‌جمعی برای نیل به هدف‌های مطلوب با حداکثر کارایی [است]» (گرگانی، ۱۳۹۰، ش ۷، ص ۷۸). برخی دیگر آن را روش و تکنیک اداره امور دانسته و گفته‌اند:

مدیریت، عبارت است از کاربرد تکنیک‌های مختلف برای اداره امور یک گروه انسانی و هماهنگ نمودن کلیه فعالیت‌های یک سازمان برای نیل به هدف معین و مشخص و راهنمایی و راهبری رهبران سازمان که آن‌ها را مدیران و یا سرپرستان می‌نامند (همان).

فرق مدیریت جهادی، با مدیریت مطلق در این است که مبنای مدیریت جهادی را نظام ارزشی اسلام می‌سازد.

از بررسی سخنان مقام معظم رهبری نیز می‌توان به این نکته دست یافت که

دستیابی به سعادت و نیز تقویت حکومت اسلامی بدون مدیریت جهادی، امکان‌پذیر نیست. ایشان در این باره می‌فرماید:

با حرکت عادی نمی‌شود پیش رفت، با حرکت عادی و احیاناً خواب‌آلوده و بی‌حساسیت نمی‌شود کارهای بزرگ را انجام داد، یک همت جهادی لازم است، تحرک جهادی و مدیریت جهادی برای کارها لازم است. باید حرکتی که می‌شود، هم علمی باشد، هم پر قدرت باشد، هم با برنامه باشد و هم مجاهدانه باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

ایشان در جای دیگری می‌فرماید:

اگر مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور، در شرایط کنونی فشارهای خبثت‌آمیز قدرت‌های جهانی و در شرایط دیگر، قابل حل است و کشور حرکت رو به جلو را ادامه خواهد داد (همان، ۱۳۹۲/۱۰/۲۳).

در مجموع، اگر علم و هنر ایجاد هماهنگی و نظارت بر افراد و جوامع برای نیل به اهداف عالی اسلام، با جهاد و سخت‌کوشی علمی و عملی همراه شود، «مدیریت جهادی» محقق خواهد شد. از نگاه آیه‌الله خامنه‌ای، مدیریت جهادی به معنای پُرکاری، با تدبیر حرکت‌کردن، شب‌وروز نشناختن و دنبال کار را گرفتن است (همان، ۱۳۹۶/۱۱/۲۹).

از نگاه ایشان، مدیریت جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رساند (همان).

ما هر جا یک مدیریت انقلابی فعال پُر تحرک داشتیم، کار پیش رفته است؛ هر جا مدیریت‌های ضعیف، بی‌حال، ناامید، غیر انقلابی و بی‌تحرک داشتیم؛ کارها یا متوقف مانده است، یا انحراف پیدا کرده است... اگر مدیریت در بخش‌های مختلف کشور، متدین باشد، انقلابی باشد و کارآمد باشد، همه مشکلات کشور حل خواهد شد (همان، ۱۳۹۶/۱/۱).

با نگاهی به صدر اسلام در می‌یابیم، مدیریت جهادی، نقش کلیدی در تقویت

حکومت اسلامی داشت. به عنوان نمونه، در صدر اسلام، اولین اقدام پیامبر اکرم ﷺ ساختن مسجد قبا بود. آن حضرت، بسان برخی حاکمان نبود که در گوشه‌ای نشسته و به دیگران امر و نهی کند، بلکه با سخت‌کوشی فراوان، مجاهدانه فعالیت و در ساخت مسجد هم‌کاری می‌کرد (ابن اثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸ و صالحی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۲۶۸). تلاش وافر پیامبر اکرم باعث تلاش مضاعف یارانش می‌شد (سمهودی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۴۳۶). این مطلب نشان می‌دهد پیامبر اعظم در ایجاد مدیریت جهادی در عرصه اجتماعی، پیشنهاد بود.

مدیریت جهادی پیامبر در سایر حوزه‌های فرهنگی، نظامی و... به خوبی نمود و ظهور داشت و باعث می‌شد افراد جامعه به دیدن آن الگوی کامل، تمام تلاش خودشان را در راستای تقویت حکومت اسلامی به کار گیرند. آن حضرت در همه حوادث تلخ و شیرین، نمونه و الگوی کاملی از مدیریت جهادی را به نمایش می‌گذاشتند. پیامبر اکرم در نبردها از همه یارانش شجاع‌تر و به دشمن نزدیک‌تر بود. حضرت علی ۷ در این مورد می‌فرماید:

«كُنَّا إِذَا احْمَرَّ البَأْسُ اتَّقِينَا بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنَّا أَقْرَبَ إِلَى الْعَدُوِّ مِنْهُ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۶۰)؛ هنگامی که شعله‌های نبرد برافروخته می‌شد، ما به رسول خدا پناه می‌بردیم و هیچ‌کس از ما [مسلمانان] به دشمن نزدیک‌تر از آن حضرت نبود.

این حرکت نبوی ﷺ مصداق کامل مدیریت جهادی است. مدیریت جهادی پیامبر اکرم در عرصه اقتصادی نیز الگوی تمام‌عیار فرهنگ جهادی بود. در زمانی که مسلمانان گرسنه بودند، آن حضرت نیز سنگ بر شکم خود می‌بست و همانند دیگر مسلمانان گرسنگی را تحمل می‌کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۲۸).

این‌گونه اقدامات پیامبر، نقش مستقیمی در هماهنگی بین اصحاب و تلاش و هم‌دلی برای تقویت حکومت ایفا می‌کرد. حضرت علی ۷ نیز در ادامه راه رسول خدا ﷺ همین مسیر و شیوه مدیریتی را در پیش گرفتند. شیوه مدیریت جهادی آن حضرت در جنگ‌ها، همانند رسول‌الله بود. آن حضرت، نه تنها در زمان حضور پیامبر، بلکه در زمانی

که خودشان به امارت و خلافت ظاهری رسیده بودند نیز همین مسیر نبوی را ادامه دادند (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰).

از دیدگاه آیه‌الله خامنه‌ای، در زمان انقلاب اسلامی نیز هرگاه مدیریت جهادی سرلوحه مدیران و مسئولان قرار گرفت، پیشرفت‌های شگرفی در جامعه رخ نمود و به تبع مدیران، در جامعه نیز فرهنگ جهادی نمودهایی یافت. مدیریت جهادی، مقوله‌ای است که آثار مبارک آن در فرازهایی از دوران دفاع مقدس و خصوصاً نهاد جهاد سازندگی ظهور و بروز پیدا کرده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۰/۱۴).

مؤلفه‌های قرآنی مدیریت جهادی که در تقویت حکومت اسلامی نقش آفرین هستند، عبارتند از دشمن‌شناسی، تعاون، خدمت‌گزاری، خستگی‌ناپذیری و سرعت عمل.

دشمن‌شناسی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مدیریت جهادی و نقش آفرین در تقویت حکومت اسلامی است. از نگاه مقام معظم رهبری، وجود دشمن از ارکان همه انواع جهاد است. پس فرهنگ‌سازی جهادی در جامعه و حرکت به سوی این نوع از فرهنگ، بدون شناخت دشمن ممکن نیست. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

جهاد، آن عرضِ عریض و آن عملِ شامل و عام و نافعِ تمام‌نشدنی است که در انواع و اشکالِ مختلف تحقق پیدا می‌کند. معیارِ جهاد، شمشیر و میدان جنگ نیست. معیار جهاد، همان چیزی است که امروز در زبان فارسی ما در کلمه «مبارزه» وجود دارد. در مبارزه، دو چیز حتماً لازم است: یکی جدّ و جهد و تحرکی و دوم مقابله با دشمن. جهاد عبارت است از آن تلاشی که در برابر یک چالش خصمانه از سوی طرف مقابل صورت می‌گیرد؛ این جهاد است. آن وقت معنای مدیریت جهادی در این جا این است که توجه بکنید که حرکت علمی کشور و نهضت علمی کشور و پیشرفت علمی کشور، مواجه است با یک چالش خصمانه که در مقابل این چالش خصمانه شما که مدیرید، شما که استادید، شما که دانشجو هستید، باید بایستید؛ این شد حرکت جهادی و مدیریت دستگاه؛ چه مدیریت دانشگاه، چه مدیریت وزارت، چه مدیریت هر بخشی از بخش‌های گوناگون این عرصه عظیم (همان، ۱۳۹۳/۴/۱۱).

جهاد از جهت نوع دشمن، به جهاد با دشمن ظاهری و جهاد با دشمن باطنی تقسیم می‌شود (مشکینی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۱؛ روحانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۱۱ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۵، ص ۳۷۰). مراد از دشمن ظاهری، کافران و دیگر کسانی است که به دشمنی با اسلام یا مسلمانان می‌پردازند.

جهاد با دشمن باطنی دو قسم است: جهاد با نفس (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۳۶ و آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۸) و جهاد با شیطان (فاطر (۳۵): ۶).

در همه اقسام یادشده، شناخت دشمن بدون بصیرت امکان‌پذیر نیست. از این رو، بصیرت و دشمن‌شناسی را می‌توان لازم و ملزوم یک‌دیگر دانست. مقام معظم رهبری بصیرت را به «با چشم باز نگاه کردن» تفسیر کرده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۴/۱۲). با افزایش بصیرت جامعه، می‌توان روح فرهنگ جهادی را در جامعه دمید. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

جهاد در عرصه‌های مختلف، جز با ایجاد فرهنگ جهادی امکان‌پذیر نیست و آنچه می‌تواند پیروزی قطعی در این میدان را نوید دهد، بصیرت رزمندگان و مجاهدان جبهه‌های مختلف است. سنت خداوند بر این تعلق گرفته است که به یاری مؤمنان صادق برخیزد (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹).

مقام معظم رهبری با اشاره به سنت یادشده می‌فرماید:

هم در کلمات ائمه علیهم‌السلام، در کلمات رسول خدا، این‌ها وجود دارد. «فلما رأى الله صدقنا انزل بعدونا الكبت و انزل علينا النصر» (نهج البلاغه، خطبه ۵۶). امیرالمؤمنین در نهج البلاغه می‌فرماید: صادقانه وارد میدان بشوید، ایستادگی بکنید، خدای متعال دشمن شما را سرکوب خواهد کرد و به شما نصرت خواهد داد. این قاعده کلی و قانون است (همان).

یکی دیگر از مؤلفه‌های فرهنگ جهادی، که نقش مستقیمی در تقویت حکومت اسلامی دارد، هم‌کاری و تعاون است. از سویی مجاهده بدون هم‌کاری جهادگران مفهوم ندارد و از سوی دیگر، برای تقویت حکومت اسلامی، بهترین راه تعاون و هم‌کاری

مردم و مسئولان است. قرآن کریم بارها و با اشکال مختلف بر لزوم تعاون بین مؤمنان تأکید کرده است.

یکی از آیاتی که به صراحت همه مؤمنان را به تعاون و هم‌کاری دعوت می‌کند، آیه زیر است:

«...تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»؛ (مائده(۵): ۲)؛ (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز). در راه گناه و تعدی هم‌کاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان). خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است!

مقصود آیه این است که جامعه مسلمان بر ایمان و عمل صالح ناشی از خدا ترسی اجتماع کنند و این همان صلاح و تقوای اجتماعی است و در مقابل آن، تعاون بر گناه - یعنی عمل زشت که موجب عقب‌افتادگی از زندگی سعیده است و بر «عدوان» که تعدی بر حقوق حقه مردم و سلب امنیت از جان و مال و ناموس آنان است، قرار می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۶۳ و طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۶۷). علاوه بر تعاون، واژه‌هایی چون «ظہیر» (بقره(۲): ۸۵؛ فرقان(۲۵): ۵۵ و تحریم(۶۶): ۴، «اجتماع» (اسراء(۱۷): ۸۸) و «انتصار» (شوری(۴۲): ۳۹) نیز با مفهوم تعاون، نزدیکی معنایی دارند و نشان‌دهنده اهمیت تعاون در قرآن است.

از نگاه نافذ مقام معظم رهبری، یکی از آسیب‌های اصلی که باعث شده فرهنگ کار در جامعه ما ضعیف باشد، عدم تعاون و هم‌کاری است. ایشان می‌فرماید:

چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با این که کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از این‌ها گفته است: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ» یا «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا»؛ یعنی حتی اعتصام به حبل‌الله هم باید دسته‌جمعی باشد «وَ لَا تَفَرَّقُوا» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

آیه‌الله خامنه‌ای، نه تنها راه حل برون‌رفت از مشکلات داخلی، بلکه راه حل مشکلات جامعه اسلامی را هم تعاون می‌داند (همان، ۱۳۹۵/۹/۲۷).

یکی دیگر از مهم‌ترین مؤلفه‌های مدیریت جهادی، داشتن روحیه خدمت‌گذاری است. بدون چنین روحیه‌ای، نه خدمتی جهادی شکل می‌گیرد و نه چنین فرهنگی در جامعه نهادینه می‌شود.

از نگاه اسلام، خدمت به مردم، یکی از نعمت‌های الهی است، پس کسی نباید از خدمت‌گزاری به خلق خدا مأیوس یا دل‌گیر شود و دل‌گیر نشدن از خدمت به مردم، با ایجاد روحیه جهادی امکان‌پذیر است. امام حسین 7 در این باره می‌فرماید:

«انّ حوائج النّاس الیکم من نعم الله علیکم فلا تملّوا النعم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۳۱۸)؛ همانا نیازمندی‌های مردم به شما از نعمت‌های خدا بر شماست. بنابراین، از این نعمت‌ها دل‌گیر نشوید.

از نگاه نافذ امام علی 7، بهترین مردم کسی است که برای مردم مفیدتر باشد. چنان‌که می‌فرماید: «افضل النّاس انفعهم للنّاس» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۴۸).

از نگاه مقام معظم رهبری، اولین شاخص دولت مطلوب اسلامی، شاخص اعتقادی و اخلاقی و دومین شاخص آن خدمت به خلق است. از نگاه ایشان، روحیه خدمت، «گفتمان اصلی دولت اسلامی» است:

ما آمده‌ایم خدمت کنیم به مردم و هیچ چیز نباید ما را از این وظیفه غافل کند... در زمینه خدمت، کار را باید جهادی کرد؛ جهادی به معنای بی‌قانونی نیست... در همان چهارچوب قانون، دو جور می‌شود کار کرد: یک کار، کار مرسوم اداری، یک کار، کار جهادی. کار جهادی؛ یعنی از موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمان‌ها را فراموش نکردن، جهت را فراموش نکردن، شوق به کار؛ این کار جهادی است. کار را باید جهادی انجام داد تا انشاءالله خدمت به‌خوبی انجام بگیرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۶).

مفهوم فرهنگ جهادی این است که همه ما به این نکته توجه کنیم که:

تکلیف ما مجاهدت برای مردم است. اگر انقلاب پیروز هم نشده بود، این تکلیف بود. همیشه علمای ما برای مردم کار و تلاش می‌کردند، زحمت

می کشیدند، فقرا را پاسداری می کردند، به آن‌ها رسیدگی می کردند؛ دأب و روش علما این بود (همان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۶).

سخت‌کوشی و تلاش بی‌وقفه یکی دیگر از لوازم روحیه جهادی است. تنبلی، سستی، خستگی، خمودگی، تلف کردن بیهوده عمر و... به هیچ وجه با فرهنگ جهادی هم‌گون و هم‌نوا نبوده، بلکه در دو جبهه متقابل قرار دارند.

با بررسی آیات قرآن مجید، به این مهم دست می‌یابیم که بین جهاد و پرهیز از تنبلی ارتباط مستقیمی وجود دارد. خداوند در قرآن کریم گاه با ارائه نمونه‌هایی از سستی مسلمانان، آثار و ضررهای آن نسبت به حکومت اسلامی را گوشزد می‌کند. به عنوان نمونه، با یادکرد از نبرد احد، مسلمانان را به خاطر سستی و تنبلی نکوهش می‌کند (آل عمران (۳): ۱۵۲).

هم‌چنین در آیه ۷۲ از سوره نساء، با اشاره به تنبلی برخی، به این نکته کلیدی اشاره می‌کند که اینان، نه تنها تنبل‌اند، بلکه دیگران را نیز به تنبلی فرا می‌خوانند:

«وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَيَبْغِطَنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْنَا إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَاهِدِينَ»؛ و بی‌تردید، بین شما کسانی هست که (در حرکت به جهاد) کندی می‌کند (و دیگران را نیز به کندی وامی‌دارد)، پس اگر شما را مصیبتی در رسد گوید: خدا با من لطف و عنایت داشت که من با آن‌ها حاضر نبودم (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۵).

در بررسی تاریخ نیز به این نتیجه می‌رسیم که بین خستگی‌ناپذیری و جهاد با تقویت حکومت اسلامی، رابطه تنگاتنگی وجود دارد؛ چنان‌که تنبلی و سستی با روحیه جهادی هیچ‌گاه جمع نمی‌شود. جریان حضرت موسی ۷ و بنی اسرائیل شاهد مناسبی بر این ادعاست (مائده (۵): ۲۶-۲۰).

سستی علل و عوامل گوناگونی دارد که پیروی نکردن از رهبران الهی و تفرقه از جمله آن‌هاست؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال (۸): ۴۶).

با توجه به نقشی که خستگی‌ناپذیری در فرهنگ جهادی دارد، مقام معظم رهبری

نیز بارها بر رابطه شاخه‌ها و اشکال مختلف جهاد با پرهیز از سستی و تنبلی تأکید کرده‌اند. از جمله فرمود: «اگر ما در بخش‌های گوناگون، روحیه جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدیت و به صورت خستگی‌ناپذیر انجام دهیم - نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف - بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱/۱).

از نگاه مقام معظم رهبری: «کسالت، کم‌کاری و تنبلی، یک انسان را، یک خانواده را، یک کشور و یک ملت را تباه می‌کند. همه باید کار کنند؛ کار جهادی» (همان، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

یکی دیگر از بایسته‌های مدیریت جهادی، سرعت عمل است.

خداوند در سوره مؤمنون، مؤمنان را کسانی معرفی می‌کند که در خیرات، سرعت و از دیگران پیشی می‌گیرند: «أُولَئِكَ يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ» (مؤمنون ۲۳): ۶۱).

تعبیر به «یسارعون» که از باب «مفاعله» و به معنای سرعت برای پیشی گرفتن از یک‌دیگر است، وضع حال مؤمنان را در یک مسابقه که به سوی مقصدی بزرگ و پر ارزش انجام می‌شود، مشخص می‌کند و نشان می‌دهد آن‌ها چگونه در برنامه اعمال صالح با یک‌دیگر رقابت سازنده و مسابقه بی‌وقفه دارند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۱۴، ص ۲۶۵).

در آیه ۱۴۴ سوره آل عمران نیز بر مسابقه سازنده و رقابت نیکوکارانه در کارهای خیر اشاره می‌کند: «به خدا و روز دیگر ایمان می‌آورند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در انجام کارهای نیک، پیشی می‌گیرند و آن‌ها از صالحانند».

علاوه بر دو آیه یادشده، خداوند به ما دستور می‌دهد در خیرات از یک‌دیگر پیشی بگیریم: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (بقره ۲): ۱۴۸؛ مانده (۵): ۴۸ و در آیاتی از مسلمانان پیش‌گام و فضیلت آنان سخن می‌گوید (توبه ۹): ۱۰۰، همگی بر لزوم سرعت عمل دلالت دارد.

مسابقه در خیرات، با مفهوم فرهنگ جهادی عجین است. کسانی که دارای فرهنگ جهادی باشند، سعی می‌کنند همانند مجاهدان جبهه نظامی در رویارویی با دشمن از یک‌دیگر پیشی بگیرند تا عقب‌ماندگی‌ها جبران شود.

سرعت عمل در حال حاضر و در کشور عزیز ما از اهمیت بیش‌تری برخوردار است؛ زیرا باعث می‌شود عقب‌ماندگی‌ها با سرعت بیش‌تری جبران شود. از این‌رو، سکان‌دار انقلاب اسلامی بارها بر سرعت‌بخشی در امور و به‌ویژه بر سرعت پیشرفت علمی تأکید کرده‌اند:

ما داریم در میدان علم پیش می‌رویم، خیلی هم افتخار می‌کنیم، ... پیشرفت علمی بلاشک وجود دارد، سرعتش هم خوب است - متنها ما با وجود همین پیشرفتی که داریم، عقیبیم! این را که نباید خودمان فراموش کنیم، ما خیلی عقیبیم! ما را سال‌های سال عقب نگاه‌داشتند... ما باید به این سرعت پیشرفت، خیلی اهمیت بدهیم (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۸/۲۰).

بین سرعت عمل و شتاب‌زدگی تفاوت وجود دارد. شتاب‌زدگی و عجله بی‌جا از شیطان است و غالباً باعث مشکلات فراوانی خواهد شد. مقام معظم رهبری در این‌باره می‌گوید: «سرعت را با دقت همراه کنید. سرعت غیر از شتاب‌زدگی است؛ شتاب‌زدگی بد است. سرعت، وقتی با دقت همراه شد، کار معقول و صحیح است. سرعت بدون دقت، می‌شود شتاب‌زدگی» (همان، ۱۳۸۵/۶/۶).

نتیجه‌گیری

تقویت حکومت اسلامی از بایسته‌هایی است که عقل و نقل بر ضرورت آن حکم می‌کنند. همان‌گونه که برای سعادت اخروی، به ایمان و عمل صالح نیاز است، از نگاه قرآن کریم و در دیدگاه مقام معظم رهبری برای تقویت حکومت اسلامی نیز به دو دسته عوامل نیازمندیم: دسته‌ای فرهنگی و دسته‌ای عمل‌کردی هستند. اصلاح عوامل فرهنگی با ایجاد فرهنگ جهادی و اصلاح عمل‌کردها با مدیریت جهادی محقق خواهد شد. هم‌چنین در فرهنگ جهادی، مؤلفه‌هایی وجود دارد که به صورت مستقیم در تقویت حکومت اسلامی نقش‌آفرین و عبارتند از: خدامحوری، ولایت‌پذیری و اخلاق‌مداری، که سایر مؤلفه‌های فرهنگی در مؤلفه‌های سه‌گانه یادشده قابل ادغام هستند. مدیریت جهادی نیز مؤلفه‌هایی دارد که مؤلفه‌های تأثیرگذار در تقویت حکومت اسلامی را می‌توان در دشمن‌شناسی، تعاون، خدمت‌گزاری، خستگی‌ناپذیری و سرعت عمل خلاصه کرد.

یادداشت‌ها

۱. «انه لا ید للناس من امیر بر او فاجر یعمل فی امرته المؤمن و یرتفع فیها الکافر و یربغ الله فیها الاجل و یرجع به الفی و یقاتل به العدو و تأمن به السبل و یؤخذ به للضعیف من القوی».
۲. «تزل الجبال و لاتزل عض علی نازک اعرالله جمجتک تد فی الارض قدمک ارحم بصرک اقصى القوم و غض بصرک و اعلم ان النصر من عندالله سبحانه».

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آلوسی، روح المعانی، به کوشش عبدالباری، ج ۵، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۴. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.
۵. ابن ابی جمهور، عوالی اللالی، به کوشش عراقی، ج ۴، قم: سیدالشهداء، ۱۴۰۳ق.
۶. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، به کوشش القاضی، ج ۳، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۷، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۸. ارسطو، طالیس، السیاسة، ترجمه احمد لطفی السید، مصر: السدار القومیة للطباعة و النشر، ۲۰۰۸م.
۹. افلاطون، جمهوری، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: چاپخانه خورشید، ۱۳۵۳.
۱۰. پورسعید، سید مسعود و شاه‌محمدی، محمد، «طراحی الگوی جهاد علمی از دیدگاه مقام معظم رهبری (دامت برکاته)»، مدیریت اسلامی، ش ۱۳، ۱۳۹۵.
۱۱. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۶، تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.
۱۲. جولیبوس گولد، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: گروهی از مترجمان، به کوشش زاهدی، تهران: مازیار، ۱۳۸۴.
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی، حوزه و روحانیت در آئینه رهنمودهای مقام معظم رهبری، ج ۱، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با جمعی از کشاورزان، ۱۳۸۲/۱۰/۱۴.
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با بسیجیان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۲.
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی، سخنرانی در دیدار با مردم قم، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹.

۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی، سخنرانی در دیدار با جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی، پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۳، ۱۳۹۲/۱۲/۲۹.
۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با جمعی از کشاورزان، ۱۳۸۲/۱۰/۱۴.
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۹۵/۹/۲۷.
۲۱. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۲/۶/۶.
۲۲. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۳/۶/۲۰.
۲۳. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران، ۱۳۹۲/۱۰/۲۳.
۲۴. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهش‌گاه‌ها، مراکز رشد پارک‌های علم و فناوری، ۱۳۹۴/۸/۲۰.
۲۵. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۵/۶/۶.
۲۶. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در مراسم بیعت فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد، ۱۳۶۸/۴/۲۰.
۲۷. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با بسیجیان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۲.
۲۸. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان، ۱۳۷۶/۹/۵.
۲۹. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در حرم مطهر رضوی ۷، ۱۳۹۰/۱/۱.
۳۰. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با مردم پاکدشت، ۱۳۸۳/۱۱/۱۰.
۳۱. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه، ۱۳۹۵/۳/۲۹.
۳۲. خامنه‌ای، سیدعلی، دیدار شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران، ۱۳۹۲/۱۰/۲۳.
۳۳. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۶/۱۱/۲۹.
۳۴. خامنه‌ای، سیدعلی، سخنرانی در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهری رضوی ۷، ۱۳۹۶/۱/۱.
۳۵. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با دانشجویان، ۱۳۹۳/۴/۱۱.
۳۶. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۵/۴/۱۲.
۳۷. دهخدا، علی اکبر و دیگران، لغت نامه، ج ۲۴، تهران: مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۳۸. راغب اصفهانی، مفردات، به کوشش صفوان داودی، دمشق: دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۳۹. رفیق العجم، مصطلحات التصوف الاسلامی، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۹م.

۴۰. روح الامینی، محمود، **زمینه فرهنگ شناسی: تالیفی در انسان شناسی فرهنگی و مردم شناسی**، تهران: عطار، ۱۳۶۸.
۴۱. روحانی، سید محمد صادق، **فقه الصادق 7**، ج ۱۳، قم: دارالکتاب، ۱۴۱۳ق.
۴۲. سمهودی، علی بن عبدالله، **وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی**، ج ۱، شعبه عربستان: مؤسسه الفرقان، ۱۴۲۲ق.
۴۳. شعیری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، قم: انتشارات رضی، ۱۳۶۳.
۴۴. شهید ثانی، زین الدین جبعی عاملی، **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، ج ۲، قم: مکتبه الداوری، ۱۴۱۰ق.
۴۵. صالحی شامی، محمد بن یوسف، **سبل الهدی**، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۴ق.
۴۶. صدوق، الامالی، قم: البعثة، ۱۴۱۷ق.
۴۷. طباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان**، ج ۵، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۴۸. طبرسی، **مجمع البیان**، به کوشش گروهی از علماء، ج ۳، بیروت: اعلمی، ۱۴۱۵ق.
۴۹. طریحی، فخر الدین محمد بن علی، **مجمع البحرين**، به کوشش الحسینی، ج ۴، تهران: انتشارات مرتضویة، ۱۳۶۲.
۵۰. فرهی، علی، سنجقی، محمدابراهیم؛ سلطانی، محمدرضا و محمدیان، یدالله؛ «طراحی الگوی فرهنگ جهادی یکی از نهادهای انقلاب اسلامی»، **پژوهش های مدیریت منابع انسانی**، ش ۲۴، ۱۳۹۵.
۵۱. قرشی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱.
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، به کوشش غفاری، ج ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۷.
۵۳. گرگانی، تقی، «نقش ها، وظایف و ویژگی های مدیر در آیین مدیریت قرآن با نگرشی بر جزءهای ۷ تا ۹ قرآن کریم و تأسی از نهج البلاغه»، **فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی**، ش ۷، ۱۳۹۰.
۵۴. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام الدین بن قاضی، **کنز العمال**، به کوشش السقاء، ج ۴، بیروت: الرسالة، ۱۴۰۱ق.
۵۵. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، ج ۶۵، ۶۷، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۴ و ۷۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۵۶. محمودی بختیاری، علیقلی، *زمینه فرهنگ و تمدن ایران*، تهران: پاژنگ، ۱۳۶۸.
۵۷. مشکینی، علی، *مصطلحات الفقه*، قم: الهادی، ۱۳۷۹.
۵۸. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، ج ۳، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۲.
۵۹. معین، محمد، *فرهنگ معین*، ج ۱ و ۲، تهران: کتاب راه نو، ۱۳۸۱.
۶۰. مکارم شیرازی و دیگران، *تفسیر نمونه*، ج ۴ و ۱۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵.
۶۱. موسوی شفتی، اسدالله بن محمدباقر، *الامامة*، اصفهان: مکتبه مسجد سید اصفهان، ۱۴۱۱ق.
۶۲. میبدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۶۳. نجفی، *جواهر الکلام*، به کوشش قوچانی و دیگران، ج ۲۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲.
۶۴. نراقی، احمد بن محمد، *معراج السعادة*، قم: انتشارات هجرت، ۱۳۸۷.
۶۵. همتی، همایون، *سنت و سیاست در اسلام*، تهران: انتشارات آوای نور، ۱۳۷۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی